

Condemnation of America's attacks to Afghanistan!

سیاه روز (7) اکتوبر، روز تهاجم نظامی امپریالیسم امریکا
و متحدین آنرا به افغانستان شدیداً محکوم می کنیم!

بتاریخ (7) اکتوبر سال 2001 میلادی ارتش امریکا و متحدین آن از فضا و زمین افغانستان را مورد تهاجم نظامی قرار دادند. در این تهاجم نظامی، قوت‌های نظامی متعلق به "ائتلاف شمال" در همکاری با ارتش‌های مهاجم علیه مردم و کشور سیم گسترده داشتند. اینها در واقع از یکطرف منحصراً راه بلد در خدمت ارتش‌های مهاجم بودند و از طرف دیگر در عملیات‌های نظامی زمینی ارتش امریکا علیه قوت‌های طالبان در کنار آن قرار گرفتند. این مزدوران "چنداخوره" در کشتار مردم و ویرانی کشور در رکاب ارتش امریکا و ناتویکیار دیگر علیه مردم و میهن مرتکب جنایت فجیع و خیانت سهمگینی شدند. ارتش امریکادری حدود یک و نیم ماه در عملیات های نظامی هوایی و زمینی هزاران نفر از مردم مظلوم و بیگناه را بقتل رسانده و بامجروح و معیوب ساخت. آنچه بنام مراکز و تاسیسات و تجهیزات نظامی در کشور وجود داشت، توسط بمب افکن‌های امریکامهدم و نابود شد. رژیم طالبان سقوط داده شد و اراکین دولت آنها با بخش اعظم نیروهای نظامی و امنیتی شان با سران گروه القاعده به پاکستان در آغوش حامیان شان پناه بردند.

بعد از واقعه (11) سپتمبر 2001 در امریکا و کشته شدن سه هزار نفر در آن، دولت امریکا تدارکات نظامی و سیاسی گسترده ای را روی دست گرفته و در مدت کوتاهی خود را برای حمله نظامی بر افغانستان آماده کرد تا "عالمین این واقعه یعنی اسامه بن لادن و گروه القاعده و طالبان" را مجازات کند. روی همین طرح و نقشه یعنی «جنگ جهانی علیه تروریسم» مجوز این تهاجم و تجاوز نظامی را از شورای امنیت «ملل متحد» نیز بدست آورد. در آن وقت ماشین تبلیغاتی امپریالیسم بین المللی بکار افتاد و در اطراف این قضیه تبلیغات وسیعی را براه انداخته و افکار عامه مردم را در امریکا و اروپا و کانادا و استرالیا و تعدادی از کشورهای دیگر آماده ساخت. بخش تبلیغات برای افغانستان و منطقه طوری صورت می گرفت که گویا دولت اضلاع متحده امریکا قصد دارد تا با سقوط رژیم طالبان، گروه های اسلامی را که از سراسر جهان در اطراف اسامه بن لادن و در حمایت رژیم طالبان در افغانستان متمرکز شده بودند، قلع و قمع کرده و بجای رژیم قرون وسطائی طالبان، یک «رژیم دموکراتیک» در افغانستان روی کار آورد تا بقبول آنها مردم افغانستان و جهان از شر «تروریستها» خلاص شوند. این بود ظاهر قضیه که توانست تعداد زیادی از ساده اندیشان و فرصت طلبان را در افغانستان و خارج افغانستان متوهم سازد. اما باطن قضیه چیز دیگری بود که بعدها حتی بخشهای از عوام الناس هم از آن آگاهی یافتند.

همه نیروها و افراد آگاه و مترقی در جهان که از ماهیت طبقاتی و خصالت سرمایه داری جهانی و امپریالیسم آگاهی دارند و تاریخ جنایات سرمایه راجه در دوران استعمار کهن و چه در دوران استعمار جدید مطالعه کرده اند؛ اهداف و استراتژی پنهانی دولت امریکا و متحدین آنرا در این قضیه بخوبی درک می کردند، و آن سلطه بر این مناطق جهان و غارت منابع آنها بود. موضوع "حمله تروریستی" بر مرکز تجارت جهانی ظاهراً دلیل «موجهی» در دست دولت امریکا و متحدین آن داد تا نقشه های استعماری و امپریالیستی شانرا در منطقه جنوب آسیا و شرق میانه عملی سازند. سرمایه داری جهانی و امپریالیسم همواره سلطه اشرا بر جهان از طریق صدور سرمایه، براه اندازی کودتاهای نظامی و از طریق حمله نظامی و به مستعمره کشیدن کشورهای جهان گسترش داده است. و تهاجم نظامی به افغانستان و عراق و تحت کنترل در آوردن این دو کشور و دو منطقه ای دارای ذخایر نفت و گاز فراوان و منابع زیرزمینی سرشار و دست نخورده به همین منظور انجام شده است. و اقدام به استعمارگری امریکا به شیوه استعمار کهن در این شرایط از قرن بیست و یکم هم به موقعیت نظام سرمایه داری در امریکا مربوط می شود. زیرادری سه دهه اخیر نظام سرمایه اری خاصاً در امریکا به دوره های متناوب رکود و بحران روبرو بوده و در آغاز قرن بیست و یکم وضعیت اقتصادی امریکا نه اینکه سیری بجانب بهبود و رونق نداشته است که تقریباً در سراسر ایشیا و روسکستکی قرار گرفته و هرچه بیشتر در بحران عمیق فرومی رفت. این بحران برخلاف بحرانهای دوری قبلی، یک بحران ساختاری سرمایه داری جهانی است که از امریکا آغاز شد و سراسر اقتصادهای جهان را در بر گرفت. بحران کنونی امریکا از جنبه فزونی دولت فدرال و حکومت های ایالتی، در بخشهای مالی، بخش خانه سازی و بخش کالاهای مصرفی، تجارت، کسری بودجه سالانه و ازدیاد بیدریغ بودجه و مصارف نظامی به حد غیر قابل تصوری شدید و عمیق شده است. و استراتژی تهاجم نظامی و سلطه استعماری بر خلقها و ملل اسیر جهان و ایجاد پایگاه ها و مراکز نظامی در این مناطق و تحت کنترل قرار دادن منابع و ذخایر آنها ریشه در همین بحران عمیق و وضعیت اقتصادی وخیم امریکا و غارتگری سرمایه جهانی دارد. و دولت امریکا و متحدین آن می خواهند از این طریق برای بحران فایق آیند و در آینده نیز با دست داشتن این مناطق و منابع جهان منجمله قاره آسیا را بازارهای وسیع و پر نفوس و نیروی کار ارزان آنها در کنترل داشته باشند و به آقائی شان در جهان ادامه دهند.

حال برمی گردیم به عمل کرد های استعماری دولت امریکا و شرکای ناتوی آن در افغانستان:

بعد از سقوط رژیم طالبان در افغانستان غارتگران جهان در کشور آلمان در شهر "بن" جمع شدند تا درباره نحوه اداره آینده افغانستان که آنرا در اشغال نظامی و سلطه استعماری در آورده بودند، تصمیم بگیرند. بعبارت دیگر سرنوشت دولت مستعمراتی شانرا در آینده تعیین کنند. دیده شد که امپریالیستها و دولتهای ارتجاعی مزدور آنها که در افغانستان در بین گروه های ارتجاعی نفوذ داشتند؛ بنا بر ماهیت و اهداف شان تمام گروه ها و افراد ارتجاعی جنایتکار، میهن فروش و خاین به خلق و میهن راجع کردند و از ترکیب آنها دولت مستعمراتی را به سرکردگی کرسی مزدور تشکیل دادند. ده سال است که قدرتهای جهانخوار این رژیم را با زور اسلحه و دلار و پیوند و یورپ و سرنانگه داشته اند. در این ده سال صدها جریده و روزنامه و ده ها چینل تلویزیون و رادیو را بکار انداخته اند تا در جهت اغفال و اغوای مردم افغانستان و جهان تبلیغ کنند. ولی عملکردهای جنایتکارانه و خاینانه آنها بیش از پیش ماهیت آنها را بر ملا کرده است. امپریالیسم امریکا و ناتو در طی این ده سال بجهت اغوای مردمان کشورهای شان و فریب مردم اسیر افغانستان چند دور انتخابات نمایشی و فرمایشی؛ لویه جرگه، انتخابات پارلمانی و مجالس ولایتی و انتخابات ریاست جمهوری را با مصرف حدود یک میلیارد دلار براه انداختند تا وانمود کنند که اینها در قرن بیست و یکم برای «دموکراسی، جامعه مدنی و ترقی و پیشرفت اقتصادی» به افغانستان آمده اند. ولی بعد از ده سال نتیجه از چه قرار است: کشتار و ویرانی، فقر و گرسنگی، بیکاری، بی سرپناهی، جهل و مریضی، شیوع امراض مکرری و پیرا زیتی، ازدیاد امراض روانی، هزاران کودک بی سرنوشت و رها شده در سرکها، هزاران زن و کودک و افراد معلول و معیوب جنگ که از شدت گرسنگی و درماندگی به گدائی روی آورده اند، گسترش اعتیاد به مواد مخدر، ازدیاد افراد مصاب به ایدز، ترویج فحشاء و بی بند و باری، خودکشی و خودسوزی، تولید تریاک و حبشش، قاچاقبری، فعالیت‌های بانديستی، فساد اداری و مالی، سرقت‌های مسلحانه، عدم امنیت و مصونیت جانی و مالی، زورگیری و گروگانگیری، اختطاف زنان و کودکان، غصب اراضی و املاک عامه و مردم، رشوه که تقریباً شکل "رسمی" بخود گرفته است و ده ها نوع مصیبت، سیاه روزی و فلاکت دیگر از مرغان سرمایه داری جهانی و امپریالیستی در افغانستان است. و مسئول همه این جنایات و فجایع علیه خلق مظلوم و ستمدیده افغانستان، همین کشورهای امپریالیستی و ارتجاعی تحت رهبری دولت امریکا و دولت دست نشانده کرسی متشکل از جنایتکاران جهادی، ملیشه ای، طالب، پر چمی و خلقی و سزانی، "افغان ملیتی"، وطن فروش های با

دیپلوم های «تخصصی» و سایر گروه ها و افراد ارتجاعی و تسلیم طلب و میهن فروش خادم امپریالیسم هستند. همچنین وضعیت مشابهی که امریکا و انگلستان در حمله نظامی و به مستعمره کشیدن کشور عراق بر مردم این کشور تحمیل کردند.

در شرایط کنونی امریکا و ناتو و دولت دست نشانده آنها در افغانستان بیش از قبل در بحران همه جانبه عمیقی گرفتاراند. اختلافات شدید دسته بندی های ارتجاعی درون و بیرون دولت مزدور که هر کدام سر در آخور کشورهای مختلف دارند و در جهت تأمین منافع آتی و آتی کشورهای بیگانه در افغانستان کار می کنند؛ دولت دست نشانده در چنان وضعیتی از ضعف و فساد و انارشی و بحران قرار دارد که حتی امکان دفاع از خودش را ندارد. گروه های طالبان و حزب اسلامی گلب الدین و حقانی که به حمایت و کمک دولت پاکستان و طالبان پاکستانی و گروه های اسلامی که در القاعده جمع شده اند و در جهت کسب قدرت دوباره در افغانستان و تأمین منافع استراتژیک دولت پاکستان در افغانستان علیه قوت های نظامی امریکا و ناتو و دولت مزدور آنها می جنگند روز به روز تقویت شده و امروز منحنی تهدید بزرگی برای دولت مزدور بحساب می آید. برخلاف ادعای پوچ آنها جنگ شان با ارتش های امریکا و ناتو نه بخاطر آزادی خواهی و استقلال طلبی که بخاطر اعاده قدرت دولتی خودشان و تأمین سلطه دولت پاکستان در افغانستان و منطقه است. از اوضاع چنین بر می آید که امریکا و ناتو از شدت و وسعت حملات طالبان و گسترش ساحه نفوذ و کنترل آنها بر افغانستان نگران شده و سعی دارند تا آنها را به «مصالحه» بادولت دست نشانده و سهیم شدن در آن ترغیب کنند. ولی از آنجاییکه دولت پاکستان و طالبان موقعیت حساس و شکننده قوت های اشغالگر و دولت دست نشانده را درک کرده و از ناراضی گسترده مردم از آنها اطلاع دارند (که شرکت اندک مردم در انتخابات پارلمانی اخیر گواهی بر این واقعیت است) و بدون گرفتن امتیازات بزرگی به مصالحه راضی نمی شوند. و در این قضیه نقش دولت پاکستان تا حد زیادی تعیین کننده است. و دولت پاکستان به سبب مسایل زیادی چون حل قضیه «خط نام نهاد دیورند» مطابق به خواست و منافعی، مسئله جلوگیری از نفوذ دولت هند در افغانستان و منطقه، استفاده دلخواه از خاک افغانستان در جهت نفوذ به کشورهای آسیای میانه، مسئله سرمایه گذاری در افغانستان خصوصاً در استخراج معادن و عرصه های پردرآمد دیگر، در کنترل داشتن بازار افغانستان و مسایل دیگر. از اینرو می خواهد که افغانستان تحت سلطه امپریالیسم، در زیر قیمومت آن قرار داشته باشد. این مسایل نه تنها برای دولت پاکستان که برای طبقات فئودال و کمپرادور این کشور نیز حایز اهمیت است. از اینرو دولت پاکستان و طبقات حاکم فئودال و کمپرادور این کشور باتمام قوا سعی می کنند تا دولتی در افغانستان سرکار آید که تابع او امر و نواهی آنها باشد. و درست داشتن گروه های مزدوری مانند طالبان و گلب الدین و حقانی و دیگران در شرایط فعلی بهترین برگ برنده دولت پاکستان در معامله با قدرتهای اشغالگر و دولت مزدور در افغانستان هستند. با آنکه دولت پاکستان در طی یکسال آخر ظاهر با طالبان پاکستانی در جنگ قرار دارد اما وجود طالبان پاکستانی و روابط همه جانبه آنها با طالبان و گروه های ارتجاعی دیگر در افغانستان یک برگ برنده دیگر برای دولت پاکستان در منطقه است. دولت پاکستان از این نیروها هم در تهدید دولت هند کاری می گیرد و هم آنها را به کمک گروه های طالبان و گلب الدین و حقانی و دیگران در کسب قدرت سیاسی می گمارد. همچنین دولت ارتجاعی اسلامی ایران باتمام نیروی خود از طریق مزدورانش در افغانستان در داخل و خارج دولت و چه بطور مستقیم به منظور تأمین سلطه اش بر دولت افغانستان و ایجاد در دسر برای امریکا و ناتو در امور افغانستان مداخله می کند. و در طی سالهای اخیر از طالبان در برابر دولت امریکا حمایت همه جانبه می نماید.

خلاصه: آنچه که در افغانستان جریان دارد و در طی سی سال اخیر بوسیله قدرتهای امپریالیستی و رژیم های مزدور آنها از گروه های خلقی پرچی و گروه های جهادی و طالبی و ملیشه ای و سلطه استعماری ده سال اخیر امریکا و ناتو بوجود آمده و برای مردم افغانستان و آزادی و استقلال سیاسی کشورشان بیش از همه وقت تهدید کننده و مخاطره آمیز شده است. گروه های ارتجاعی متذکره که در دولت و خارج دولت قرار دارند همه آنها جنایتکار و خابین، وطن فروش و مزدور اجنبی و از دشمنان سوگند خورده مردم و میهن اند. اینها از هیچ خیانت و جنایتی بر علیه مردم و کشورش روی گردان نیستند و قدرتهای امپریالیستی حامی آنها بدتر از آنها دشمنان خونی مردم افغانستان و دشمن آزادی و استقلال آنها و تمام خلقهای جهان اند. باین صورت مردم افغانستان نباید دچار این توهم شوند که گویا قدرتهای امپریالیستی و دولتهای ارتجاعی و گروه های مزدور آنها در دولت و خارج دولت مزدوری توانند آنها را از این ورطه هولناک نجات دهند! انتظار چنین امری از گروه های ارتجاعی و دولتهای امپریالیستی و دولتهای ارتجاعی منطقه ساده انگاری محض است. شرایط سهمگین و جنایتبار سی سال اخیر کشور باید برای مردم افغانستان خصوصاً گروه های روشنفکر مردمی و افراد روشنی بین و آزادی خواه و میهن پرست درس بزرگی باشد. و بیش از این نباید تحت تبلیغات اغواگرانه امپریالیستها و مرتجعین رنگارنگ فریب بخورند. مردم افغانستان باید از این حالت انفعالی و بی تفاوتی برآیند و با اصطلاح فکری به اصل قضیه بکنند. آینده این سرزمین و مردمان آن تاریک و مخاطره آمیز بنظر می رسد. هیچ نیروی غارتگر خارجی و هیچ گروه ارتجاعی داخلی نمی تواند مردم و میهن را از این ورطه خوفناک نجات دهد. مردم افغانستان باید بیدار شوند و بیش از این تماشاگر نابودی خود و میهن شان نباشند. نجات واقعی مردم و میهن از طریق مبارزه مترقی توده های مردم ممکن است. آزادی و استقلال کشور و هائی توده های مردم از سلطه استعماری امپریالیستها و دولت مزدور و نجات قطعی آنها از سلطه فئودالیسم، کمپرادوریسم و امپریالیسم و تشکیل دولت مستقل و دموکراتیک مردمی، در گرو مبارزه مترقی و انقلابی توده های خلق تحت رهبری یک حزب و واقعاً انقلابی طبقه کارگر است. دیگر همه الترناتیف ها و راه چاره های سازشکارانه و تسلیم طلبانه که توسط افراد با اصطلاح «خبرخواه» و وطن و مردم مطرح می شود و با طرح های رفورمیستی که توسط گروه های «دموکرات» پیش گذاشته می شوند؛ همه اینها بمثابة سرابی است که می خواهند بازم مردم را فریب دهند و به کمک امپریالیسم بین المللی و در همکاری با گروه ها و افراد ارتجاعی خارج دولت، سلطه امپریالیسم و ارتجاع را در کشور بشکل دیگری تداوم بخشند.

مرگ بر امپریالیستهای استعمارگر امریکا و ناتو و دولت مزدور آنها!
نابود باد سلطه غارتگرانه و جنایتبار سرمایه داری جهانی و امپریالیسم!
پیروز باد مبارزات انقلابی و مترقی خلقها و ملل در بند جهان علیه امپریالیسم و ارتجاع!
یگانه راه نجات مردم و میهن مبارزه و مقاومت مترقی و انقلابی است!

7 اکتوبر 2010

(فعالین جنبش نجاتبخش مردم افغانستان)